میزگرد «شرق» درباره افزایش موانع ثبت‌نام کودکان افغانستانی در مدرسه

انتظار بی‌سرانجام دانش‌آموزان مهاجر

آموزش‌وپرورش کشور پاسخ دهد

عکس: سهند تاکی، شرق

نسترن فرخه: دو هفته دیگر، سال تحصیلی جدید شروع می‌شود و کودکان بسیاری در حال روزشماری برای رسیدن به اول مهر هستند؛ اما همچنان کودکان مهاجر ساکن در ایران برای ثبت‌نام در مدرسه با موانع جدی روبه‌رو هستند، به شکلی که امکان دارد اول مهر پشت نیمکت‌های مدرسه ننشینند. طبق اظهارات برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد، تا الان هیچ‌کدام از این سازمان‌ها موفق نشده‌اند، حتی یک کودک جدیدالورود و کلاس‌اولی را در مدارس ثبت‌نام کنند.

تعلل اداره کل اتباع و مهاجران وزارت کشور برای بازشدن سایت و دادن برگه حمایت تحصیلی به کودکان و رویکرد سلیقه‌ای مدارس برای ثبت‌نام این کودکان که هر سال شاهد آن بودیم، باعث شد آمار کودکان محروم از تحصیل امسال بیشتر از سال‌های قبل شود. همچنین با وجود اینکه هر سال بیشتر مدارس به دلیل نداشتن جا، از ثبت‌نام کودکان اتباع و مهاجر سر باز می‌زنند، سایت اداره اتباع از ۲۰ مرداد برای دریافت برگه حمایت تحصیلی باز شده است؛ یعنی در زمانی که مدارس در حال بستن لیست ثبت‌نامی خود هستند، تازه مراحل اولیه ثبت‌نام کودکان اتباع شروع شده است. در کنار آن به دلیل جمعیت بالای مهاجرها و کندبودن سرورهای سایت اداره اتباع، بسیاری موفق به دریافت برگه حمایت تحصیلی نشده‌اند و آنهایی که این برگه را دریافت کرده‌اند هم در مدارس با مشکل تکمیل ظرفیت مواجه شده‌اند. این در حالی است که با یک سال عقب‌ماندن کودکان مهاجر از تحصیل، سال بعد به دلیل عدم تطابق سن و مقطع درسی در هیچ مدرسه‌ای ثبت‌نام نخواهند شد و طبق اظهارات فعالان اجتماعی این موضوع اثر مستقیم بر افزایش کار کودک خواهد داشت.

مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده در سال تحصیلی ۱۴۰۰_۱۴۰۱، حدود ۵۶۰ هزار دانش‌آموز مهاجر در مدارس ایران درس خوانده‌اند، حال بعد از ورود طالبان به افغانستان و افزایش سیر مهاجرت به ایران، مرکز امور بین‌الملل وزارت آموزش و پرورش، امسال باید ثبت‌نام دانش‌آموزان افغانستانی را به ۶۶۰ یا ۶۷۰ هزار نفر برساند؛ درصورتی‌که طبق اظهارات فعالان حوزه کودک تعداد بسیار زیادی از کودکان هنوز موفق به ثبت‌نام نشده‌اند. با وجود اینکه طبق کنوانسیون حقوق کودک ایران موظف است خدمات آموزشی را به تمام کودکان سرزمینش ارائه دهد، آموزش و پرورش به‌عنوان متولی حق آموزش کودکان باید در این زمینه پاسخ‌گو باشد.

«شرق» به دلیل اهمیت این موضوع با تعدادی از فعالان اجتماعی و داوطلب‌های حوزه کودک که برای ثبت‌نام کودک مهاجر در این مدت تلاش کرده بودند، میزگردی برگزار کرد تا علاوه بر نقد این مسئله از وزارت آموزش و پروش و ارگان‌های دیگر مطالبه مؤثر داشته باشند.

> در خانه کودک شوش، ۱۰ کودک ما برگه حمایت تحصیلی دارند، ۳۰ نفر برگه سرشماری و در واقع ۴۰ نفر می‌توانند ثبت‌نام کنند، اما یک عده در سامانه نمی‌توانند وارد شوند و عده‌ای دیگر که می‌توانند به مدرسه بروند، به آنها گفته می‌شود جا نداریم و ثبت‌نام نمی‌کنند، از این جهت، امسال هیچ کودک کلاس اولی ثبت‌نام نکرده‌ایم

هیچ کلاس اولی و جدیدالورودی را نتوانستیم ثبت‌نام کنیم

تحصیل کودکان مهاجر همیشه جزء موضوعات چالش‌برانگیز در ایران بوده و در یک سال اخیر این موضوع شدت گرفته است. میترا امام، رئیس هیئت‌مدیره پرنده درخت کوچک، در بخشی از این میزگرد به افزایش مهاجرت افغانستانی‌ها در یکی، دو سال اخیر در ایران اشاره می‌کند که بر خدمات آموزشی کودکان آنها، مانند ثبت‌نام در مدرسه بسیار مؤثر بوده و می‌گوید: بر اثر جنگ طالبان در افغانستان، تعداد زیادی از افراد افغانستانی مجبور شدند به ایران مهاجرت کنند، به هر حال همه می‌دانیم این یک مهاجرت اجباری بوده و شرایط زندگی برای مردم افغانستان در کشور خودشان مناسب نیست؛ بنابراین در چنین شرایطی حتی اگر کودک خودش هم نخواهد از محیط خطر دور باشد، وظیفه دیگران است که کودک را از آن فضا و شرایط دور نگه دارند. کودک یک پناهنده بالقوه است و خودش قدرت تصمیم‌گیری ندارد. مثلا ممکن است در کوچه‌ای بمب بیفتد؛ درحالی‌که در کوچه کناری کودکی در حال بازی باشد. یکی از شروط پناهندگی ترس موجه است که کودکان معمولا درکی از آن ندارند.

امام بعد از تأکید بر اهمیت مناسب‌بودن شرایط زندگی برای کودکان و لزوم توجه به حقوق طبیعی آنها مثل تحصیل، با اشاره به موانع ثبت‌نام‌شان در مدرسه اضافه می‌کند: این ماجرا مشکل تنها امسال نیست، ۱۷ سال است که در این حوزه کار می‌کنم و هر سال برای ثبت‌نام کودکان مهاجر با مشکل روبه‌رو بودیم، تا سال ۹۴ که طرح فرمان رهبری مطرح شد و اعلام شد هر کودکی حتی بدون مدرک قانونی و حتی غیرقانونی هم می‌تواند در مدرسه ثبت‌نام کند؛ اما متأسفانه وقتی برای ثبت‌نام کودکان مهاجر اقدام می‌کنیم، کسی نمی‌گوید کودک مهاجر ثبت‌نام نمی‌کنیم؛ بلکه آن‌قدر شرایط سخت و پیچیده جلوی ما می‌گذارند که همین منجر به آن می‌شود که کودک نتواند به کلاس درس مدرسه برسد و واقعا بخش زیادی از آنها احتمالا، مهر به مدرسه نخواهند رفت. حال در نظر بگیرید که اغلب این خانواده‌ها کم‌سواد یا بی‌سواد هستند و بیشتر تمایل دارند کودکان‌شان کمک‌خرج خانه باشند تا اینکه درس بخوانند. به‌محض آنکه روند ثبت‌نام دچار چنین چالش‌هایی می‌شود، کودک را به سمت کارکردن سوق می‌دهند. کودکی که امسال ثبت‌نام نمی‌شود، سال بعد هم به خاطر کبر سن دیگر امکان ثبت‌نام نخواهد داشت. حال برای این خانواده‌ها شرایطی قرار دادند که در سایت مربوط به دفاتر کفالت بروند و برگه حمایت تحصیلی بگیرند، بعد یک آدرس بسیار دور به آنها داده می‌شود که یکی، دو روزشان را باید بگذارند و از صبح زود در صف بایستند. اینها واقعا برای همه این خانواده‌ها مقدور نیست؛ چون معمولا کارگران روزمزدی هستند که یک روز کارنکردن‌شان برابر است با درآمدنداشتن در آن روز. رفتن به این سایت هم خودش چالش‌برانگیز است، همیشه باز نیست و مراحل آن‌طورکه گفته شده در سایت به‌خوبی پیش نمی‌رود، گاهی آدرس‌هایی می‌دهند که بسیار دور هستند، فردی که محل سکونتش کن است، باید به سمت جاده قم برود. خانواده‌هایی را داریم که دو روز از پنج صبح برای گرفتن برگه حمایت تحصیلی اقدام کردند و در آخر هم به نتیجه نرسیده‌اند، بین زن و شوهر هم دعوا شده؛ چون پدر خانه اصرار داشته فرزندش کار کند، این داستان مشابه بسیاری از این خانواده‌ها خواهد بود که همان امکان کوچک برای تحصیل کودک هم از بین می‌رود.

رئیس هیئت‌مدیره پرنده درخت کوچک ادامه می‌دهد: حتی اگر همه مراحل هم انجام شود و کودک برگه حمایت تحصیلی را بگیرد، وقتی به مدرسه مراجعه می‌کند، مدیر مدرسه می‌گوید جا نداریم و نمی‌توانیم ثبت‌نام کنیم. ما حتی لیستی تهیه کرده بودیم تا با آموزش‌وپرورش قرار بگذاریم، چون درهرحال متولی این وضع آموزش‌وپرورش است، ولی موفق نشدیم ارتباطی برقرار کنیم. درخواستمان این است که سیستمی طراحی شود که بچه‌ها بتوانند بدون هیچ شرطی و به‌راحتی در مدرسه ثبت‌نام کنند. درحالی‌که تا الان سالانه حدود ۳۵ بار تلاش شده تا در طرح‌های مختلف کودکان کار را ساماندهی و جمع‌آوری کنند. درصورتی‌که می‌دانیم هر مرحله از این طرح‌ها چقدر هزینه‌بر خواهد بود. حالا ما می‌گوییم همین موانع برای ثبت‌نام‌نکردن کودکان باعث افزایش کار کودک خواهد شد، چه دختر و چه پسر، الان دختربچه‌هایی را می‌شناسیم که از شش صبح تا چهار عصر برای حقوق یک‌میلیونی قارچ بسته‌بندی می‌کنند. اگر به‌جای این طرح‌های جمع‌آوری، کودکان به مدرسه بروند، غیبت‌های آنها کنترل شود و مدرسه مددکار داشته باشد، بخش زیادی از معضلات جامعه حل خواهد شد. ما آمار دقیقی از کودکان کار نداریم، کمیسیاری پناهندگان هم در ۱۰ آوریل، گفته بود حدود ۸۰۰ هزار پناهنده افغانستانی در ایران داریم که رسمی هستند، درصورتی‌که شش‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بدون مدرک و غیرقانونی در ایران حضور دارند، درهرحال این آمار هم دقیق نیست. اگر بچه‌ها را به مدرسه می‌فرستادیم، آمار دقیق‌تری به دست می‌آوردیم. در ۱۰ آوریل ۲۰۲۲ کمیسیاری پناهندگان، ایران را جزء کشورهای سیاست‌گذار مترقی دانسته؛ درحالی‌که یک روز اسامی همین کودکان خارج از چرخه تحصیل منتشر خواهد شد و نباید به این گزارش دل خوش کنیم که قانون مترقی داریم.

امام می‌گوید: کودکانی که توانستیم ثبت‌نام کنیم همه از سال‌های قبل در مدرسه پرونده داشتند اما برای همان بچه‌ها هم مدارس کاملا سلیقه‌ای رفتار می‌کنند، برخی را ثبت‌نام می‌کنند و برخی را نمی‌کنند. سال قبل کودکی داشتیم که باید به کلاس چهارم می‌رفت، مدیر به مادر گفته بود چهارم جا نداریم، می‌توانم پنجم ثبت‌نامش کنم. بچه‌ای را که درسش ضعیف است، یک سال هم بالاتر ثبت‌نام کردند و این کودک آن‌قدر سر کلاس تحقیر و تنبیه شد، آن‌قدر معلم جلوی دیگر بچه‌ها با او بدرفتاری کرد که کودک ترک‌تحصیل کرد، معلم جلوی همه به او می‌گفت تو لایق نشستن سر کلاس نیستی و بیشتر ساعات مجبورش می‌کرد روی زمین بنشیند. معمولا ما با بچه‌هایی که سنشان نسبت به پایه‌ای که می‌خوانند، بیشتر است، کار می‌کنیم تا به سطح بالاتر برسند و آن زمان به مدرسه می‌روند ولی بعد از حضور در مدرسه یک‌دفعه ترک تحصیل می‌کنند و سر کار می‌روند. دلیلش هم همین رفتارهاست، همین امسال یکی از همین کودکان سر کار یک بند انگشتش را از دست داد. این چرخه همه‌چیزش معیوب است. با وجود این در تلاشیم تا بچه‌ها به مدرسه راه پیدا کنند ولی تا الان کودکان جدیدالورود مخصوصا کلاس اول ابتدایی در ثبت‌نام ناکام مانده‌اند.

جا دارد به این نکته هم اشاره شود که در پیمان‌نامه حقوق کودک به انواع تبعیض اشاره شده که یکی از آنها تبعیض در عمل است، در ظاهر تبعیضی وجود ندارد اما در عمل کامل این تفاوت مشاهده می‌شود. وقتی شرط شناسنامه یا برگه حمایت تحصیلی برای ثبت‌نام عنوان می‌شود، عملا عده‌ای از تحصیل محروم می‌شوند.

تبعیض در پیچیدگی ثبت‌نام برای برگه حمایت تحصیلی یا شناسنامه‌داشتن، تا وجود مدارس کپری و مدارس لوکس همه قابل‌توجه است. وقتی این بچه‌ها برای حضور در مدرسه دولتی با محدودیت مواجه بودند، مدارس خودگردان شکل گرفت ولی همان هم با محدودیت روبه‌رو شد. به یاد دارم سال ۹۹ یک مدرسه خودگردان را وسط سال تحصیلی تعطیل کردند و سیر دانش‌آموز به انجمن ما آمد و این واقعا عجیب بود که وسط سال تحصیلی این کار را کردند.

با این کار به تعداد کودکان کار اضافه می‌کنیم

نرجس مصطفوی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن یاری کودکان در معرض خطر، به شدت‌گرفتن حاشیه‌نشینی شهرها در این چند سال اشاره می‌کند و می‌گوید: سال‌های قبل در انجمن ما تعداد کودکان تقریبا مشخص بود و روند تحصیلشان به شکل عادی پیش می‌رفت تا اینکه با موج مهاجری جدید و شیوع کرونا روبه‌رو شدیم، با این شرایط چالش‌های ما چندبرابر شد. مهاجرت به شکلی شد که حتی خانواده‌هایی که سمت شوش و هرندی هم زندگی می‌کردند، به اطراف تهران مهاجرت کردند. معمولا هم خانواده‌هایی پربچه هستند که همه باید به مدرسه بروند. این مهاجرت‌ها جمعیت مناطق حاشیه‌ای را خیلی بیشتر کرد.

مصطفوی به چالش‌های ثبت‌نام این تعداد بچه در سایت‌هایی اشاره می‌کند که سردرگمی برای مددکار و خانواده را بیشتر می‌کند و ادامه می‌دهد: ما ۱۸۵ کودک مهاجر جدیدالورود داشتیم که باید کلاس اول و دوم می‌رفتند و برای آنها هیچ کاری نتوانستیم بکنیم، ۷۰ کودک از سال‌های قبل داشتیم که هنوز دچار مشکل هستند و در حالت نوبت‌دهی، کمبود مدرک، مشکل پدر افغانستانی، مادر ایرانی و... قرار دارند، در واقع برای آنها هم هنوز کاری نتوانستیم بکنیم. ۳۶ کودک کلاس اول و دوم داریم که در لیست انتظار هستند تا برای ثبت‌نام آماده شوند. از کل این تعداد ما فقط هشت نفر را ثبت‌نام کردیم که آنها هم از سال‌های قبل در مدرسه پرونده داشتند. نکته جالب یا بهتر بگویم تأسف‌بار این است که این سایت از ۲۰ مرداد تازه باز شده و در آن نوشته شده؛ برای دانش‌آموزانی که قرار است تغییر مقطع دهند، یا اول و دوم هستند، باید برگه حمایت تحصیلی صادر شود. دانش‌آموزانی که این برگه را دارند، برای ثبت‌نام اقدام کنند. اما این ظاهر ماجراست، در حقیقت ما در کدهای مختلف، برای مراحل ثبت‌نام بچه‌ها غرق شدیم. مراحل هفت خانی که خیلی از این خانواده‌ها اصلا بلد نیستند و نمی‌توانند انجام دهند. هزینه هربار کافی‌نت رفتن هم برای آنها زیاد است، بااین‌حال ما تلاش کردیم ولی درنهایت برای بیش از صد کودک پیام آمد که ۱۰ مهر به بعد نوبت شما خواهد آمد. حالا واقعا اگر تمام شرایط ۱۰ مهر به بعد خوب پیش برود مدارس ثبت‌نامی انجام می‌دهند؟

همین الان می‌گویند دیگر جا نداریم. حتی برای گرفتن کتاب هم نمی‌توانیم اقدام کنیم چون اعلام کرده‌اند فقط در صورتی می‌توانیم سفارش کتاب بدهیم که ثبت‌نام ما در سامانه مدرسه نهایی شده باشد. می‌بینید که این چرخه معیوب است؟ چالش کتاب درسی را سال‌های قبل هم داشتیم که باید کتابی که دستی ۸۰ هزار تومان است در بازار آزاد ۵۰۰، ۶۰۰ هزار تومان می‌خریدیم که امکان داشت دست کتاب‌ها کامل هم نباشد.

رئیس هیئت‌مدیره انجمن یاری کودکان در معرض خطر اضافه می‌کند: در کل مسئله اصلی این است که بدون قید و شرط از بچه‌ها حمایت تحصیلی شود تا از مهر بتوانند سر کلاس حاضر شوند. در غیر این باعث افزایش و تولید کار کودک خواهیم شد. الان کودکی داریم که باید به کلاس چهارم برود، اگر امسال نرود، یک سال عقب می‌ماند و سال بعد چون سنش گذشته هیچ مدرسه‌ای او را ثبت‌نام نمی‌کند، کودک در خانه می‌ماند و بعد خانواده او را سر کار می‌فرستد. برای اتمام این چالش‌ها نیاز به یک دستورالعمل واحد از طرف آموزش و پرورش است. چون الان مدارس کاملا جزیره‌ای عمل می‌کنند. مدرسه‌ای داریم که از جلوی در اصلا اتباع را راه نمی‌دهند، همان اول جلوی آنها را می‌گیرند و می‌گویند جا نداریم یا اینکه می‌گویند اولویت با ایرانی‌هاست. مدیر مدرسه‌ای می‌گفت ما اصلا اتباع ثبت‌نام نمی‌کنیم و خانواده‌هایی که نمی‌خواهند بچه‌هایشان با اتباع درس بخوانند اینجا ثبت‌نام می‌کنند. این در حالی است که کودکان با قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف باید حق تحصیل داشته باشند.

> مسئله اصلی این است که بدون قید و شرط از بچه‌ها حمایت تحصیلی شود تا از مهر بتوانند سر کلاس حاضر شوند. در غیر این صورت باعث افزایش و تولید کار کودک خواهیم شد. الان کودکی داریم که باید به کلاس چهارم برود، اگر امسال نرود یک سال عقب می‌ماند و سال بعد چون سنش گذشته هیچ مدرسه‌ای او را ثبت‌نام نمی‌کند

تلاش‌هایمان برای ثبت‌نام بی‌نتیجه ماند

محبوبه توکلی مسئول کمیته مددکار اجتماعی انجمن حمایت از حقوق کودکان، یادآور می‌شود که ایران پیمان‌نامه حقوق کودک را پذیرفته و در آن حق تحصیل برای کودکان مهاجر هم در نظر گرفته شده ولی همچنان بر سر این موضوع مشکلاتی داریم و در ادامه می‌گوید: در هر حال الان می‌بینیم بچه‌های مهاجر، از حق تحصیل محروم هستند. امسال ۱۰۰ کودک برای ثبت‌نام مدرسه به خانه کودک شوش آمدند، اینها کودکانی بودند که به تازگی غیرقانونی از افغانستان به ایران آمدند و هیچ‌کدام برای مدرسه ثبت‌نام نشدند. در متن اطلاعیه اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور نوشته شده طبق بخش‌نامه آموزشی ابلاغ‌شده از طرف آموزش و پرورش دانش‌آموزانی که دارای برگه حمایت تحصیلی از سال گذشته هستند، می‌توانند با همان برگه ثبت‌نام کنند، ولی باید از ابتدای آبان برای برگه جدید به همان سایت کانون نوبت بروند. اینجا هم باز برای کودک چالش ایجاد می‌شود چون در حین تحصیل نگرانی برگه تحصیلی و پیگیری مدرسه را خواهد داشت. در بند دیگر این اطلاعیه گفته شده بچه‌هایی که برگه حمایت تحصیلی سال گذشته را دارند ولی مقطع تحصیلی‌شان تغییر کرده، باید برگه حمایت تحصیلی سال جدید را بگیرند، در صورتی که خیلی از بچه‌های ما اصلا نتوانستند در این بخش وارد شوند. یعنی همان بچه‌هایی که شامل موارد این ابلاغیه می‌شدند هم نتوانستند کاری کنند.

توکلی به بند دیگر این ابلاغیه اشاره می‌کند که: بچه‌هایی که می‌خواهند به کلاس اول ابتدایی بروند باید در طرح بازشماری شرکت کرده باشند که همین شرط خود بخش زیادی از کودکان را از تعداد کل کم می‌کند. خیلی وقت‌ها سایت دچار مشکل می‌شود ولی نه جایی است که تماس بگیریم و نه جایی که حضوری برویم. در بند آخر اطلاعیه هم ذکر شده آنهایی که در طرح سرشماری قرار دارند و در سن تحصیل هستند به دفتر کفالت مراجعه نکنند و منتظر ابلاغیه صادره از سوی اداره کل امور اتباع وزارت کشور باشند، این خبر برای قبل از ۲۰ مرداد است و تا الان هیچ خبری نشده. الان ۱۰ کودک ما در خانه کودک شوش برگه حمایت تحصیلی دارند، ۳۰ نفر برگه سرشماری و در واقع ۴۰ نفر می‌توانند ثبت‌نام کنند، اما یک عده در سامانه نمی‌توانند وارد شوند و عده‌ای دیگر که می‌توانند به مدرسه بروند، به آنها گفته می‌شود جا نداریم و ثبت‌نام نمی‌کنند، از این جهت، امسال هیچ کودک کلاس اولی ثبت‌نام نکرده‌ایم.

بحران امنیتی اشتباه ایجاد می‌کنیم

به باور برخی فعالان اجتماعی، اگر ثبت‌نام کودکان مهاجر برای مدرسه هم به خوبی پیش می‌رفت با چالش دیگری برای ثبت‌نام کتاب درسی مواجه می‌شدند، مجید احمدی‌نیا فعال اجتماعی، از دو سال پیش می‌گوید که گرفتن کتاب درسی برای این کودکان در مدارس خودگردان مشکل‌ساز شده بود و ادامه می‌دهد: سال ۹۹ بچه‌ها با مشکل تهیه کتاب درسی روبه‌رو شدند، پیش‌تر کتاب‌ها در انبار آموزش و پرورش می‌ماند و بعد مدیران مدارس خودگردان آنها را می‌گرفتند و در مدرسه توزیع می‌کردند. اما از دو سال پیش سخت‌گیری کردند و حتی یک جلد هم ندادند، در صورتی که همین کتاب‌ها در انقلاب جلدی ۱۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان هم به فروش می‌رسید. همان موقع کمپینی راه انداختیم که هر ایرانی با کد ملی خود فروش تک‌دوره را بخرد که در کمتر از یک ماه کتاب‌ها تهیه شد. این کتاب‌ها تا آذرماه بین بچه‌ها توزیع شد. اما به سال بعد که رسیدیم این مشکل همچنان حل نشده بود و در کنارش نداشتن برگه حمایت تحصیلی و دفتر کفالت هم اضافه شده بود. اینها خود به نوعی تبعیض بین کودکان است که منجر به ترومای کودک می‌شود. به یاد دارم دو سال پیش روز اول مهر، دختر هفت‌ساله افغانستانی سر صف ایستاده بود، یکی یکی به بچه‌ها گل می‌دادند تا سر کلاس بروند، مدیر سر صف به این دختربچه گفت تو بیرون از صف بایست تا تکلیف ثبت‌نامت مشخص شود. ببینید آن لحظه این کودک چه حالی پیدا کرده؟ مثال دیگری از تبعیض بین دانش‌آموزان می‌زنم، مادری تماس گرفت که دخترم را در مدرسه ثبت‌نام نمی‌کنند، با مدیر کل آن منطقه تلفنی صحبت کردم و گفتند این یک نفر را ثبت‌نام کنید، بعد مادر دوباره به مدرسه رفت و باز هم کودکش را ثبت‌نام نکردند، دوباره با من تماس گرفت و گفت مدرسه که متوجه شد این همان دانش‌آموزی است که سفارش شده، با آنها شروع به دعوا کرده.

> به یاد دارم دو سال پیش روز اول مهر، دختر هفت‌ساله افغانستانی سر صف ایستاده بود، یکی‌یکی به بچه‌ها گل می‌دادند تا سر کلاس بروند، مدیر سر صف به این دختربچه گفت تو بیرون از صف بایست تا تکلیف ثبت‌نامت مشخص شود. ببینید آن لحظه این کودک چه حالی پیدا کرده؟ مثال دیگری از تبعیض بین دانش‌آموزان می‌زنم، مادری تماس گرفت که دخترم را در مدرسه ثبت‌نام نمی‌کنند، با مدیر کل آن منطقه تلفنی صحبت کردم و گفتند این یک نفر را ثبت‌نام کنید، بعد مادر دوباره به مدرسه رفت و باز هم کودکش را ثبت‌نام نکردند، دوباره با من تماس گرفت و گفت مدرسه که متوجه شد این همان دانش آموزی است که سفارش شده، با آنها شروع به دعوا کرده.

این فعال ادامه می‌دهد: چندی پیش با مدیران و مسئولان مدارس جنوب تهران که بیشتر با کودکان افغانستانی سروکار دارند جلسه‌ای داشتیم، از این جمع ۲۰، ۳۰ نفره فقط یکی، دو نفر این نگاه را داشتند که کودکان افغانستانی باید درس بخوانند. در صورتی که وقتی این چند هزار کودک را ثبت‌نام نمی‌کنیم، تک‌تکشان را به یک بحران برای کشور تبدیل می‌کنیم.

نگـاه

چالش‌های تحصیل کودکان مهاجر در ایران

تحصیل کودکان مهاجر در ایران، همیشه جزء دغدغه‌های جدی فعالان و کارشناسان این حوزه بوده و امسال با روی‌کارآمدن طالبان در افغانستان و افزایش سیر مهاجر به کشور، موضوع شکلی جدی‌تر به خود گرفته است، از آماده‌سازی سیستم مهاجرپذیری تا ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی به کودکان مهاجر، بر اساس اظهارات برخی رسانه‌ها فقدان ساماندهی این حوزه خود را در قالب مسائلی از جمله عدم پذیرش کودکان فاقد مدارک قانونی اقامت، رایگان‌نبودن آموزش در برخی دوره‌ها به‌صورت قانونی و دریافت پول در قبال آموزش به‌صورت غیرقانونی در برخی دوره‌ها برخلاف آیین‌نامه‌های داخلی آموزش‌وپرورش، فعالیت مدارس خودگردان و به‌رسمیت‌نشناختن این مدارس تا دوره زمانی مشخص و عدم نظارت بر نحوه فعالیت و مانند اینها نشان داده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی تحت عنوان «تحصیل کودکان مهاجر در ایران چالش‌های تقنینی، نظارتی و اجرائی و راهکارهای پیشنهادی دفتر مطالعات اجتماعی» که در خردادماه ۱۴۰۱ منتشر شده به موضوع تحصیل کودکان مهاجر پرداخته است که ایسنا مروری بر این گزارش انجام داده و در بخشی از آن به مواجهه کشور ایران با پدیده مهاجرت‌های بین‌المللی از ابتدای انقلاب اسلامی اشاره می‌کند که عموما نوع مهاجرت‌ها به کشور ایران از نوع اجباری، پناهندگی و پناهجویی بوده است. براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز ملی آمار ایران، جمعیت مهاجران بین‌المللی که به‌صورت رسمی در ایران سکونت دارند، بالغ بر یک‌میلیون و ۶۵۴ هزار نفر بود که از این تعداد مهاجران افغانستانی، عراقی و پاکستانی اکثر مهاجران بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. در حقیقت ۹۵ درصد مهاجران حاضر در ایران «افغانستانی» و دو درصد «عراقی» و حدود یک درصد «پاکستانی» هستند.

پناهندگان افغانستانی در پنج موج اصلی به ایران وارد شدند. موج اول در سال ۱۳۵۸ و با حمله شوروی به افغانستان شروع شد. موج دوم پس از خروج شوروی از افغانستان و وقوع درگیری‌های داخلی در افغانستان به وقوع پیوست. موج سوم مهاجران افغانستانی هم‌زمان با ظهور و قدرت‌گرفتن طالبان در افغانستان و موج چهارم پس از حمله آمریکا به افغانستان و موج پنجم مهاجرت نیز پس از تسلط مجدد طالبان بر افغانستان در سال ۱۴۰۰ اتفاق افتاد. از همان بدو ورود مهاجران و پناهندگان به کشور ایران، مسئله تحصیل و آموزش، یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌های مهاجر در ایران محسوب می‌شد.

نگاه آماری به تحصیل دانش‌آموزان اتباع در ایران

در سال تحصیلی ۱۳۷۰- ۱۳۷۱ تعداد دانش‌آموزان اتباع خارجی ثبت‌نام‌شده در مدارس ایران حدود ۱۲۱ هزار دانش‌آموز بود. در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۴، به دلیل ممنوعیت‌های وضع‌شده توسط نیروی انتظامی و وزارت کشور در راستای اجبار مهاجران به خروج از کشور، تعداد دانش‌آموزان مهاجر در مدارس ایران به کمترین حد خود در ۳۰ سال اخیر (حدود ۸۴ هزار دانش‌آموز) رسید.

اما پس از سال ۱۳۸۵ و تغییر سیاست ایران نسبت به مهاجران مقیم در ایران و کسانی که سابقه حضورشان در کشور به بیش از ۱۰ سال می‌رسید، روند ثبت‌نام دانش‌آموزان مهاجر در مدارس ایران همواره افزایشی بوده است؛ به‌گونه‌ای‌که در سال تحصیلی ۱۳۹۸- ۱۳۹۹ تعداد دانش‌آموزان مهاجر ثبت‌نام‌شده در مدارس ایرانی به رقم ۵۰۳ هزار نفر رسید.

درباره افزایش تعداد دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس ایران بعد از فرمان رهبری تحلیل‌های متنوعی را می‌توان ارائه کرد. در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ و پیش از اجرائی‌شدن فرمان رهبری توسط دولت وقت، تعداد دانش‌آموزان اتباع خارجی در مدارس ایران بالغ بر ۳۶۱ هزار نفر بود. در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بعد از اجراشدن فرمان رهبری این رقم به حدود ۳۸۶ هزار نفر رسید. تعداد این دانش‌آموزان بعد از سال ۱۳۸۴-۱۳۸۵ با یک شیب ثابت رو به افزایش بوده است و بعد از فرمان رهبری اگرچه تعداد دانش‌آموزان ثبت‌نامی افزایش پیدا کرده اما شیب ثبت‌نام کودکان مهاجر افزایش نداشته است.

برخی افزایش ثبت‌نام‌ها بعد از فرمان رهبری را به افزایش مهاجرت‌ها نسبت می‌دهند اما بررسی میدانی نشانگر آن است که یکی از دلایل اصلی این امر افزایش دسترسی به تحصیل برای کودکان مهاجر است. دسترسی‌پذیری تحصیل کودکان مهاجر نیز در دهه‌های اخیر همواره روندی افزایشی داشته است. اگر فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ بررسی شود، ملاحظه خواهد شد که در سال ۱۳۷۵، تنها ۴۹ درصد از کودکان زیر ۱۸ سال مهاجر در مدارس ایران مشغول به تحصیل بودند درحالی‌که در سال ۱۳۹۵، این نسبت به حدود ۶۹ درصد رسید. بنابر گفته‌های رئیس مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش‌وپرورش این نسبت در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ افزایش پیدا کرده و ۸۰ درصد واجدان شرایط توانسته‌اند در مدارس ثبت‌نام کنند.

افزایش معنادار باسوادی مهاجران

میزان باسوادی مهاجران افغانستانی ساکن در ایران از تعداد افراد باسواد در افغانستان بیشتر است به‌طورکلی سطح باسوادی در میان مهاجران در چند دهه اخیر به طرز معناداری افزایش پیدا کرده است. فقط حدود ۱۰ درصد از نسل اول مهاجران که در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ وارد ایران شدند، پیش از ورود، باسواد بودند. این شاخص درحال‌حاضر به ۶۴ درصد در میان کل مهاجران رسیده است. در ابتدای دهه ۹۰ میزان باسوادی در میان مهاجران حدود ۵۲ درصد بود اما در سال پایانی دهه ۹۰ این میزان به ۶۴ درصد رسیده است.

میزان باسوادی در نسل‌های دوم و سوم مهاجران بسیار بالاتر است. ۷۶ درصد از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله افغانستانی در ایران سواد خواندن و نوشتن دارند.

میزان باسوادی مهاجران افغانستانی ساکن در ایران (که ۹۵ درصد از مهاجران ساکن ایران را تشکیل می‌دهند) از تعداد افراد باسواد در خود کشور افغانستان بیشتر است. به گونه‌ای که نرخ باسوادی نسل دوم مهاجران افغانستانی در ایران به نرخ باسوادی ایرانیان بسیار نزدیک‌تر است.

در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ از بین کل دانش‌آموزان ثبت‌نامی غیرایرانی، هزارو ۶۱۰ نفر در رده پیش‌دبستانی، ۳۳۵هزارو ۹۶۳ نفر در دوره اول و دوم ابتدایی، ۱۰۴هزارو ۴۵۸ نفر در دور اول متوسطه و ۵۵هزارو ۵۹۰ دانش‌آموز در دوره دوم متوسطه مشغول به تحصیل هستند. یک‌سوم دانش‌آموزان ثبت‌نام‌شده بدون مدرک و غیرقانونی هستند.

تهران رکوردار میزبانی از بیشترین دانش‌آموزان مهاجر

۱۴۱هزارو ۲۴۴ نفر با برگه حمایت تحصیلی در مدارس ثبت‌نام شده‌اند. این افراد فاقد مدرک اقامت قانونی هستند. در ۱۷ استان کشور که حضور مهاجران افغانستانی مجاز است، این دانش‌آموزان در کنار دانش‌آموزان ایرانی مشغول به تحصیل هستند. استان تهران بیشترین دانش‌آموز را با ۱۶۱هزارو ۷۸۰ نفر دارد. خراسان رضوی، فارس، قم، البرز، کرمان، سیستان‌وبلوچستان و یزد، استان‌هایی هستند که به ترتیب میزبان بیشترین تعداد دانش‌آموزان مهاجر هستند.

تحصیل کودکان مهاجر در ۴۰ سال اخیر

در ۴۰ سال اخیر، همواره سیاست‌های متفاوتی درخصوص نحوه مواجهه با دانش‌آموزان اتباع اعم از پذیرش یا عدم پذیرش آنها، رایگان یا پولی‌بودن تحصیل آنها، شرایط تحصیل کودکان اتباع به نسبت مسائل اقامتی ایشان و مانند آن، اتخاذ شده است. مسئله تحصیل اتباع همواره متأثر از سیاست‌های کلی دولت درخصوص اتباع افغانستانی به دلیل غلبه تعداد اتباع این کشور نسبت به سایر کشورها در ایران بوده است. از یک سو، در ایران خدمات آموزشی به اتباع قانونی به شکلی سخاوتمندانه ارائه می‌شود و از سوی دیگر، به دلیل حضور حدود دومیلیون و ۲۵۰ هزار مهاجر غیرقانونی، موانع متعددی پیش‌روی این کودکان قرار داشته است. براساس‌این می‌توان گفت همواره دو قطب مخالف در مسئله تحصیل کودکان مهاجر افغانستانی در ایران در سطح سیاست‌گذاری وجود داشته است: نخست نگاه تهدیدمحور به دلیل غلبه سیاست‌های بازگشت مهاجران غیرقانونی و بار مالی آموزش اتباع افغانستانی برای دولت ایران و دوم نگاه فرصت‌محور به‌ویژه درخصوص مهاجران قانونی و همچنین پس از انتشار فرمان رهبری.

رشد ۴۰ درصدی تحصیل کودکان مهاجر

انتشار فرمان رهبری برای تحصیل کودکان مهاجر افغانستانی در سال ۱۳۹۴، به نوعی پایان‌دادن به دوقطبی‌های مذکور در حوزه سیاست‌گذاری تحصیل کودکان مهاجر بود و البته این تقابل در لایه‌های اجرائی کماکان باقی است. با مقایسه آمار تعداد دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس ایرانی، مشاهده می‌شود که فرمان رهبری در سال ۱۳۹۴، به افزایش هفت‌درصدی ثبت‌نام دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس ایران منجر شد (از حدود ۳۶۱ هزار دانش‌آموز غیرایرانی در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ تا پیش از انتشار فرمان رهبری، به حدود ۳۸۷ هزار دانش‌آموز غیرایرانی در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵).

البته پنج سال پس از صدور این فرمان، در سال تحصیلی ۱۳۹۹- ۱۴۰۰، تعداد این دانش‌آموزان به حدود ۵۰۳ هزار نفر در ۲۸ هزار مدرسه رسید که رشد ۴۰درصدی نسبت به قبل از سال ۱۳۹۴ دارد و بیانگر رشد کاملا تدریجی تعداد این دانش‌آموزان در مدارس ایران است.

به طور کلی این فرمان سه اثر عمده بر وضعیت تحصیلی کودکان اتباع به همراه داشته است:

- رایگان‌شدن حضور دانش‌آموزان مهاجر در مدارس دولتی ایرانی

هزینه تحصیل ۳۳۰ هزار دانش‌آموز مهاجر در سال ۹۵ بالغ بر ۵۰۰ میلیارد تومان بوده که فقط ۱۰ میلیارد تومان از این مبلغ را کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به ایران پرداخت کرده است. براساس ماده (۲) آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، مصوب اول اردیبهشت ۱۳۹۵ هیئت وزیران، تا پیش از فرمان، تحصیل دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس دولتی ایران با پرداخت شهریه به مدارس میسر بوده است.

همین مبلغ نیز برای قشر محروم مهاجران افغان (مخصوصا خانواده‌های پرجمعیت با چند دانش‌آموز) به‌عنوان سدی برای حضور در مدارس تلقی می‌شد. این فرمان به نوعی دلگرمی برای این خانواده‌های مهاجر ایجاد کرد. باوجوداین در عمل، آموزش و پرورش با تغییر بخش‌نامه‌های قدیمی که حضور دانش‌آموزان مهاجر را با پرداخت شهریه مجاز می‌دانست، عملا اخذ شهریه و سایر وجوه را به طور رسمی ممنوع کرد؛ اما این امر در برخی مدارس به طور غیررسمی از سوی مدیران مدارس انجام می‌شود.

- امکان تحصیل کودکان مهاجر غیرقانونی و بدون مدرک

پیامد مهم دیگر این فرمان، عمومی‌شدن مسئله تحصیل مهاجران بود که سال‌ها نادیده گرفته شده بود. پس از این، تحصیل کودکان مهاجر غیرقانونی که پیش از آن امکان ورود به مدارس دولتی را نداشتند، مورد توجه قرار گرفت و شرایط حضور آنان در مدارس دولتی تسهیل شد. حضور دانش‌آموزان مهاجر در مدارس دولتی که از یک سو به تثبیت اقامت آنان منجر شده و از سوی دیگر مدرک معتبر آموزش و پرورش ایران از ارزش درخورتوجهی برای آنها برخوردار است و همچنین هزینه مدارس رسمی در مواردی که خلاف آیین‌نامه‌های جدید عمل می‌شود، باز هم از مدارس خودگردان ارزان‌تر است و این موارد برای خانواده‌های مهاجر ارزش زیادی دارد.

- تعیین تکلیف مدارس خودگردان

براساس نکات طرح‌شده در جلسات کارشناسی مرکز، این مدارس سال‌ها بدون مجوز و خارج از دایره استحفاظی آموزش و پرورش فعالیت می‌کردند. در مدت زمان کوتاهی در تابستان ۱۳۹۴، فرایند ثبت و قانونی شدن تعدادی از این مدارس در شهرهای مختلف ایران انجام شد. از جمله پیامدهای قانونی‌شدن مدارس خودگردان، تعلق‌گرفتن کتاب درسی به دانش‌آموزان این مدارس بود که سال‌های طولانی از معضلات کودکان مهاجر در تحصیل محسوب می‌شد. همچنین بخشی از فرایند ادغام اجتماعی نیز در دستور کار این مدارس گنجانده شد.

نگاهی به تحصیل کودکان مهاجر در ایران طی ۴۰ سال اخیر

وضعیت تحصیل کودکان مهاجر به ویژه اتباع افغانستانی در طول دهه‌های گذشته همواره با سیاست‌های متفاوت و متناقضی روبه‌رو بوده است. این مسئله به صورت ویژه متأثر از سردرگمی سیاست‌های تابعیت در ایران بوده و به دلیل همین آشفتگی، کودکان بسیاری از حق تحصیل محروم مانده‌اند.

کودکان مهاجر به‌ویژه افغانستانی در مسیر تحصیل خود با چالش‌های قانونی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی روبه‌رو هستند که هریک از این موارد با توجه به اقامت دائمی این کودکان در کشور فرایند ادغام اجتماعی ایشان را به تأخیر می‌اندازد و تنها مسیر ورود آنها را به ورطه آسیب‌های اجتماعی همچون کودکان کار، دستفروش و زباله‌گرد و اقسام بزهکاری‌های اجتماعی تسهیل می‌کند. این در حالی است که طبق فرمان صریح رهبری درخصوص حق تحصیل این کودکان باید به وضعیت تحصیل این کودکان و رایگان‌شدن آن سرعت بخشیده می‌شد.

وضعیت مهاجران در ایران از سه حالت خارج نخواهد بود:

۱. حضور میلیونی آنان در ایران مستمر خواهد شد و ما شاهد کاهش جمعیت آنان در کشور نخواهیم بود.

۲. شرایط بازگشت مهاجران به کشور افغانستان مهیا می‌شود و بخشی از جمعیت آنان به این کشور باز می‌گردند و در حداقلی‌ترین شکل، مهاجرت‌های جدید به ایران صورت نمی‌پذیرد.

۳. اروپا بار دیگر سیاست جذب مهاجر را در پیش می‌گیرد و عده‌ای از مهاجران حاضر در ایران، کشور را به قصد مرزهای اروپا ترک می‌کنند.

عکس: مهدی حسنی

در حقیقت استمرار حضور مهاجران در ایران، بازگشت آنان به افغانستان یا عزیمت به کشورهای دیگر به بسیاری عوامل سیاسی، اقتصادی و امنیتی خارج از اراده حاکمیت ایران (همچون شرایط سیاسی، اقتصادی و امنیتی حاکم بر کشور افغانستان، سیاست‌های مهاجرتی کشورهای اروپایی و...) باز می‌گردد، اما به نظر می‌رسد در چشم‌انداز پنج سال آینده و با توجه به موج مهاجرتی برآمده پس از استقرار طالبان و شرایط وخیم اقتصادی کشور افغانستان و با توجه به هرم رشد جمعیت کشور ایران و سابقه گذشته، در حداقلی‌ترین شکل هر سال حدود ۵۰۰ هزار نفر کودک و نوجوان لازم‌التعلیم مهاجر در کشور حضور داشته باشند.

این رقم برابر با تعداد دانش‌آموزان ثبت‌نام‌شده در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ و ۱۴۰۰-۱۴۰۱ است و همان‌طور که در بخش آمار و ارقام ذکر شد، اکثر آنان در مقطع ابتدایی مشغول به تحصیل هستند. از سوی دیگر، توسعه آموزش مجازی در شرایط پساکرونا به عنوان یک فرصت برای جاماندگان از تحصیل و یک تهدید برای دانش‌آموزان نیازمند توجه ویژه شناخته می‌شود. دانش‌آموزان مهاجر تحت تأثیر توأمان این فرصت و تهدید قرار دارند.

برای مدیریت چالش‌های گفته‌شده و کاهش آثار منفی این چالش‌ها و افزایش فرصت‌های حاصل از فرمان رهبری مبنی بر حق تحصیل همه کودکان مهاجر حاضر در ایران، این گزارش پیشنهادهای تقنینی، نظارتی و اجرائی زیر را ارائه داده است:

پیشنهادهای نظارتی عبارت است از پیگیری نظارتی از دولت درباره کیفیت و کمیت وضعیت اجرای فرمان رهبری درخصوص تحصیل کودکان مهاجر برای جلوگیری از تفسیرهای شخصی و پایدارسازی روند اجرای آن، پیگیری نظارتی از دولت برای در اولویت قراردادن برگزاری سریع و گسترده دوره‌های آموزشی برای مدیران، کادر و معلمان مدارس پذیرنده مهاجران با هدف اشاعه پروتکل‌ها و استانداردسازی رفتار با مهاجران و کودکان مهاجر در قالب آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش.

همچنین پیگیری نظارتی درخصوص جلوگیری از جداسازی دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی در مدارس و جلوگیری از جداکردن شیفت دانش‌آموزان مهاجر از شیفت دانش‌آموزان ایرانی در مدارس دوشیفته و تأکید بر تحصیل این دو قشر در کنار هم و در کلاس‌های مشترک و در شیفت‌های یکسان در قالب آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش.

از پیشنهادهای اجرائی نیز می‌توان به مواردی چون تدارک تشکیل کمیته یا کارگروه ویژه در ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها برای بررسی موارد خاص تحصیل مهاجران و جلوگیری از اعمال سلایق شخصی در موارد گوناگون، فعال‌سازی ظرفیت‌های فعالان افغانستانی برای تأسیس مدارس خودگردان، عدم جداسازی اجباری دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی در مدارس و جلوگیری از جداکردن اجباری شیفت دانش‌آموزان مهاجر از شیفت دانش‌آموزان ایرانی در مدارس دوشیفته، توسعه آموزش مجازی برای کودکان اتباع بازمانده از تحصیل، برقراری ارتباط سازمانی میان خیریه‌ها و مدارس با هدف رفع کمبودهای ضروری دانش‌آموزان مهاجر و توسعه برنامه‌های تبلیغی و ترویجی رسانه‌ای در نمایش نقاط مثبت حضور مهاجران در ایران و تصحیح ذهنیت عمومی نسبت به آنان اشاره کرد.

از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی برای ساخت مدرسه استفاده کنیم

پیمان حقیقت‌طلب
مدیر پژوهش انجمن دیاران

شرایط ثبت‌نام مدرسه برای کودکان افغانستانی در سال‌های قبل به این شکل بود که اگر مدرک داشتند، مستقیم به مدرسه می‌رفتند و ثبت‌نام می‌شدند، اگر مدرک نداشتند هم برگه حمایت تحصیلی می‌گرفتند و در مدرسه ثبت‌نام می‌شدند. اما امسال مسئله‌ای که داشتیم ماجرای کودکان جدیدالورود بود، یعنی بچه‌هایی که به تازگی وارد ایران شدند و اینها علاوه بر کسانی هستند که سال‌های پیش در مدرسه ثبت‌نام می‌شوند. از همین رو اداره اتباع شیوه‌نامه‌ای صادر کرده که دانش‌آموزانی که سال‌ها پیش ثبت‌نام شدند، امسال برای ثبت‌نام در مدارس اقدام کنند ولی بچه‌های جدیدالورود منتظر اطلاعیه بمانند که تا امروز هیچ اطلاعیه‌ای برای این بچه‌ها صادر نشده است.

الان هم اگر اداره اتباع اعلام کند تا بچه‌ها برای ثبت‌نام مدرسه اقدام کنند، این بچه‌ها هیچ مدرکی ندارند، باید اول به اداره کفالت بروند، آنجا یک برگه حمایت تحصیلی به آنها داده می‌شود، وقتی آن برگه صادر شد، برای ثبت‌نام به مدرسه می‌روند. اما قابل ذکر است که مدارس هم قرار بوده تا آخر مرداد لیست ثبت‌نام‌ها را ببندند. الان نزدیک مهر است و اگر واقعا این جمعیت چند صد هزار نفری در مدرسه ثبت‌نام کنند، با چالش جدید کتاب درسی مواجه خواهیم شد.

این مشکلات پیش‌بینی‌پذیر بود. یعنی از همان آبان ماه یا آذر ماه پارسال پیش‌بینی می‌شد امسال تعداد کودکان مهاجر بیشتر از سال قبل خواهد بود ولی هیچ تدبیری برای آن در نظر نگرفتند. حتی در اول تابستان که اداره اتباع طرح سرشماری را مطرح کرد، دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر مهاجر غیرقانونی شناسایی کرد و همان زمان می‌دانست که باید حدود ۳۰۰ هزار نفر بیشتر از سال‌های قبل در مدارس ثبت‌نام کند، اما به آن توجه نشد که بسیار عجیب است. در سال‌های قبل خود آموزش و پرورش اعلام کرده بود که متولی این امر معاونت و سازمان امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش هستند. آماری که آنها برای سال تحصیلی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ اعلام کردند، حدود ۵۶۰ هزار نفر دانش‌آموز واجد شرایط برای ثبت‌نام بودند که امسال برآوردها باید بالای ۷۰۰ هزار نفر باشد. اما بعید می‌دانم که هنوز ۵۰۰ هزار نفر هم توانسته باشند ثبت‌نام کنند، یعنی از پارسال هم تعداد ثبت‌نام‌ها کمتر بوده است.

الان یک جمعیت نیم‌میلیون نفری هستند که برای حضور آنها به تدابیر ویژه‌ای در آموزش و پرورش نیاز داریم. به کارگروه‌های ویژه، محتوای آموزشی و نحوه تعامل با دانش‌آموزان نیاز داریم، اما آموزش و پرورش تا به حال چنین کارگروهی را تشکیل نداده و حتی خیلی از مدیران سؤال دارند در مواجهه با این کودکان باید چه کار کنیم و چگونه برخورد کنیم. در واقع هیچ رویه استانداردی برای این بچه‌ها در نظر گرفته نشده است.

الان شش سال از فرمان رهبری می‌گذرد و هنوز مدیران مدارس این چالش را دارند که چگونه با این کودکان و خانواده آنها برخورد کنند، اصطکاک بین کودکان ایرانی و غیرایرانی را چطور رفع کنند، اصلا از این کودکان باید شهریه بگیرند یا نه. در این سال‌ها برای این موضوع کارگروهی در نظر گرفته نشده است و هیچ استانداردی در این زمینه دیده نمی‌شود، بنابراین همین باعث وجود برخوردهای سلیقه‌ای با این موضوع خواهد شد.

حتی اگر همه‌چیز به خوبی پیش برود، سؤال قابل پرسش این است که این بچه‌ها بعد از تحصیل در مدارس چه خواهند شد؟ هنوز کسی نمی‌تواند به آن پاسخ دهد. اصلا اینها می‌توانند در ایران ادامه تحصیل بدهند یا نه؟ تا چه زمان می‌توانند درس بخوانند؟ چه برنامه‌ای برای آنها خواهیم داشت؟ ما دانش‌آموزی داریم که درسش خوب است ولی محدودیت‌هایی دارد. در سطح المپیاد استانی شرکت می‌کند ولی در سطح کشوری نمی‌تواند شرکت کند، در واقع این استعدادی است که شناسایی شده، اما برای آن هیچ برنامه‌ای نداریم.

در رابطه با مهاجرت‌ها به مناطق حاشیه شهرها هم باید اشاره کرد که در مسئله تمرکز مهاجران در هیچ‌جای دنیا نباید شاهد این اتفاق باشیم. از طرفی ما تعداد زیادی استان داریم که اصلا مهاجر افغانستانی در آنها نیست، یکی از مسائل قابل اهمیت در بخش‌شدن این تعداد این است که دیگر با کمبود مدرسه مواجه نمی‌شدیم. الان بحث کمبود مدرسه را در یکی از ثروتمندترین استان‌های ایران یعنی تهران داریم.

این سیاست نادرستی که متولی امور مهاجران در پیش گرفته در حقیقت ضررش را آموزش و پرورش دید که یکدفعه با این بار عظیم مواجه شد. راه‌حل این مشکل در کوتاه‌مدت دوشیفت‌کردن مدارس است. در کنارش می‌توانند از ظرفیت مدارس خودگردان و نیروی انسانی خود مهاجران هم استفاده کنند، چون در این یک سال حضور طالبان، تعداد زیادی استاد دانشگاه، معلم و افراد با سابقه تحصیل به ایران مهاجرت کردند که کاملا هم آموزش‌دیده هستند و با استانداردهای آموزش ایران هم آشنا هستند. در کنارش می‌توان از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی هم استفاده کرد چون آنها مشتاق هستند تا در ایران مدرسه بسازند، آنها راغب هستند طبق استانداردها طبق یک زمان مشخص و در یک مکان مشخص پروژه‌ای را شروع کنند و طبق تاریخ مشخص‌شده تمام کنند، اما می‌توان گفت به نوعی فرهنگ کار ما ایرانی‌ها شاید مانع از آن شود ولی در کل بسیار مشتاق هستند تا برای بچه‌های مهاجر در ایران مدرسه بسازند و می‌توانیم با آنها همکاری داشته باشیم.

ثبت‌نام کودک افغانستانی در مدارس، امسال بدتر از سال‌های قبل

رضا شفاخواه
وکیل پایه یک دادگستری

ایران یکی از مهاجرپذیرترین کشورهای دنیاست، آن‌هم به دلیل همسایگی با کشورهای افغانستان و پاکستان است که گاهی با موج‌های مهاجرتی به مقصد مواجه بودند. از جمله این اتفاقات، موضوع روی‌کارآمدن طالبان است که منجر به موج مهاجرتی جدید شده است.

الان طبق سرشماری‌ای که صورت گرفته، حدود چهار و نیم میلیون افغانستانی در ایران حضور دارند، روزانه هم شاهدیم چهار، پنج هزار نفر از مرز ایران رد می‌شوند، البته این موضوع در روزهای اول روی‌کارآمدن طالبان بیشتر به چشم می‌خورد.

مضاف بر همه اینها، ایران کنوانسیون حقوق پناهندگان را هم امضا کرده و به عنوان یکی از اعضای این کمیسیون موظف به رعایت مفاد آن است. ما در بحث مهاجرت چون مهاجرپذیر هستیم باید یک‌سری سازوکار داشته باشیم، الان هم بحث سازمان ملی مهاجرت در دولت مطرح است که عملی‌شدن آن یک اقدام خوب برای تعیین و تکلیف مهاجران خواهد بود. در واقع این اتفاق به نوعی، باعث به رسمیت شناختن مهاجران افغانستانی در ایران می‌شود ولی تشکیل این سازمان همچنان در هاله‌ای از ابهام است و مشخص نیست آیا نیت واقعی برای تأسیس آن وجود داشته باشد یا نه.

در هر حال امیدواریم این اتفاق بیفتد و در خصوص بحث تحصیل کودکان افغانستانی، دولت ایران موظف است به عنوان یکی از امضاکنندگان کنوانسیون ژنو، حقوق اولیه پناهندگان را تأمین کند. شرایط پناهنده در هر کشوری به این شکل است که اگر جایی برای اسکان نداشته باشد، در اردوگاه مهاجران ساکن می‌شود تا تعیین تکلیف شود که همان زمان هم از حقوق اولیه مثل تحصیل و خدمات بهداشتی و سلامت برخوردار خواهد بود. هر کشور و دولت مهاجرپذیر که با پناهجو مواجه می‌شود، باید این خدمات را برای کودکان فراهم کند.

از این جهت فرمان رهبری در رابطه با تحصیل کودکان افغانستانی موثر واقع شد، ولی از همان بدو عمر این کودکان با مشکلات فراوانی روبه‌رو بودند، اما اتفاقی که امسال افتاد، این حق را برای مهاجران بسیار محدود کرد. آن هم اینکه فقط یک دفتر کفالت معرفی شد تا بچه‌ها برای گرفتن برگه تحصیلی آنجا بروند، زمان نامناسبی هم برای این کار اعلام کردند و همین باعث شد خیلی از خانواده‌ها جا بمانند. در هر حال تعداد خانواده‌هایی که در شهر تهران ساکن هستند خیلی زیاد است و اگر قرار باشد این تعداد به یک دفتر مراجعه کنند، تقریبا می‌توان گفت طرح با شکست مواجه می‌شود.

در کنارش آنچه در عمل می‌بینیم، این است که حتی خانواده‌هایی که برگه تحصیلی و حمایت از تحصیل دارند برای ثبت‌نام در مدارس با مشکل مواجه هستند، خیلی از مدارس متأسفانه می‌گویند ما جا نداریم و ثبت‌نام نمی‌کنیم یا یک شهریه بیش از آنچه مشخص کرده‌اند، می‌گیرند تا کودک را ثبت‌نام کنند. بخشی از این خانواده‌ها اطلاعی ندارند تا حتی مطالبه درستی کنند، در محلاتی مدارس اصلا افغانستانی ثبت‌نام نمی‌کنند یا به هر ترتیبی از ثبت‌نام طفره می‌روند که همه اینها مانع ثبت‌نام کودکان اتباع افغانستانی می‌شود.

همچنین مشخص نیست علاوه بر آن سرشماری که امسال صورت گرفت دولت ایران به کدام دسته از مهاجران خدمات تحصیلی می‌دهد. آنچه ما در عمل شاهد هستیم، این است که برای همه این بچه‌ها کارت تحصیلی فراهم نشده و خانواده‌هایی هم بودند که با داشتن برگه سرشماری وقتی به دفاتر کفالت مراجعه کردند کارشان انجام نشده است. گفتند چون شما جدیدالورود هستید مشمول این طرح نیستید و برگه حمایت تحصیلی برای آنها صادر نشده است. چیزی که به نظر می‌رسد این است که هرچه زودتر برای تعیین تکلیف مهاجران اقدامات لازم صورت گیرد، یک بار برای همیشه این موضوع را حل کنند، کمااینکه تحصیل حق کودکان افغانستانی و دیگر کودکان ایران است. تا زمانی که این حق به صورت بنیادی به رسمیت شناخته نشود، اقدامات بعدی هم با شکست مواجه می‌شود.

موضوعی که در عمل سازمان‌های مردم‌نهاد با آن مواجه هستند، این است که خیلی از این خانواده‌ها به دلیل فقر امکان دسترسی به گوشی موبایل، کامپیوتر و تلویزیون را ندارند، در واقع از هیچ طریقی نمی‌توانند از اخبار مطلع شوند و برای همین امکان دارد حتی از حق تحصیل فرزندشان در ایران بی‌خبر بمانند. در این شرایط سازمان‌های مردم‌نهاد با مراجعه به این خانواده‌ها به آنها این آگاهی را می‌دهند. ولی اگر دولت قصد دارد این کودکان تحصیل کنند باید در این محلات اطلاع‌رسانی و شناسایی لازم را انجام دهند.